

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

بررسی و مقایسه تطبیقی قوانین کیفری ایران و انگلستان در خصوص جرائم علیه آثار فرهنگی و تاریخی

مؤلف :

مهدی کاظمی منیر

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



chaponashr.ir



iran-journals.com



سرشناسه : کاظمی منیر ، مهدی ، ۱۳۶۱
عنوان و نام پدیدآورندگان : بررسی و مقایسه تطبیقی قوانین کیفری ایران و انگلستان در خصوص جرائم علیه آثار فرهنگی و تاریخی / مولف: مهدی کاظمی منیر
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۱۰۱ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۲۳۹-۴
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : بررسی و مقایسه تطبیقی قوانین کیفری ایران و انگلستان
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : بررسی و مقایسه تطبیقی قوانین کیفری ایران و انگلستان در خصوص جرائم علیه آثار فرهنگی و تاریخی
مولف : مهدی کاظمی منیر
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۵
چاپ: زیر جلد
قیمت: ۱۷۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۲۳۹-۴
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



chaponashr.ir



iran-journals.com



فهرست

پیشگفتار	۷
مقدمه	۹
ماهیت جرائم علیه میراث فرهنگی	۱۰
چیستی جرایم علیه میراث فرهنگی	۱۰
اما معیار جرم شناختن یک عمل چیست؟	۱۱
تخریب اموال تاریخی - فرهنگی	۱۲
تشخیص آثار فرهنگی	۱۵
عنصر روانی تشخیص آثار فرهنگی	۱۶
سرقت اموال تاریخی و فرهنگی	۱۷
عنصر مادی سرقت اموال تاریخی و فرهنگی	۱۹
عنصر روانی سرقت اموال تاریخی و فرهنگی	۲۰
عناصر مورد معامله قرار دادن یا اختفاء اشیاء و قطعات آثار فرهنگی - تاریخی	۲۱
عنصر مادی مورد معامله قرار دادن یا اختفاء اشیاء و قطعات آثار فرهنگی تاریخی	۲۱
عنصر روانی مورد معامله قرار دادن یا اختفاء اشیاء و قطعات آثار فرهنگی تاریخی	۲۳
ایجاد تزلزل در بنیان آثار فرهنگی - تاریخی	۲۳
عنصر مادی ایجاد تزلزل در بنیان آثار فرهنگی - تاریخی	۲۴
عنصر روانی ایجاد تزلزل در بنیان آثار فرهنگی - تاریخی	۲۵
قاچاق آثار تاریخی - فرهنگی	۲۶
عنصر مادی قاچاق آثار تاریخی - فرهنگی	۲۷
عنصر روانی قاچاق آثار تاریخی - فرهنگی	۲۷
حفاری غیرمجاز برای به دست آوردن اموال تاریخی - فرهنگی	۲۸
عنصر مادی حفاری غیر مجاز برای به دست آوردن اموال تاریخی - فرهنگی	۳۰
عنصر روانی حفاری غیرمجاز برای به دست آوردن اموال تاریخی - فرهنگی	۳۰
بدست آوردن اتفاقی اشیاء تاریخی - فرهنگی	۳۱

- عنصر مادی بدست آوردن اتفاقی اشیاء تاریخی - فرهنگی ۳۱
- عنصر مادی خرید و فروش اموال تاریخی فرهنگی ۳۲
- طرح یک سؤال در این زمینه ۳۲
- بررسی مجازات ها در جرایم علیه میراث فرهنگی ۳۳
- کیفر تخریب اموال تاریخی - فرهنگی در ایران ۳۴
- کیفر تخریب اموال - تاریخی - فرهنگی ماده ۵۵۸ ۳۵
- کیفر سرقت اموال - تاریخی - فرهنگی ماده ۵۵۹ ۳۵
- کیفر ایجاد تزلزل در بنیان آثار فرهنگی - تاریخی ماده ۵۶۰ ۳۶
- کیفر قاچاق آثار تاریخی - فرهنگی ماده ۵۶۱ ۳۶
- کیفر حفاری غیر مجاز برای به دست آوردن اموال - تاریخی - فرهنگی ماده ۵۶۲ ۳۸
- کیفر تجاوز به آثار تاریخی - فرهنگی ماده ۵۶۳ ۳۹
- کیفر مرمت تغییر اماکن تاریخی - فرهنگی ماده ۵۶۴ ۳۹
- بعد حقوق کیفری در حمایت از اموال فرهنگی ۴۰
- کاهش چشمگیر حفاری های غیرقانونی (۱۶۱ مورد، کاهش ۷۶ درصدی)؛ ۴۳
- پاسخ های کیفری و مسئله جرم سازمان یافته ۴۶
- میراث فرهنگی به عنوان دارایی بشریت ۴۷
- در رابطه با این اعمال و برخلاف کنوانسیون ۱۹۵۴، هر دولت موظف است: ۵۵
- در خصوص اعمال صلاحیت قضایی و بدون لطمه به ماده ۲۸ کنوانسیون: ۵۶
- چارچوب حقوقی گردش و کنوانسیون یونسکو ۱۹۷۰ در منظر کیفری ۵۷
- کنوانسیون ۱۹۹۵ یونیدرویت و رد مسیر کیفری ۶۱
- معاهده مدل سازمان ملل: ابزاری جالب اما فاقد الزام آوری حقوقی ۶۳
- نگاهی به ابزارهای اروپایی: کنوانسیون شورای اروپا و متون حقوقی مصوب اتحادیه اروپا ۶۴
- ارزیابی کلی اجزای حقوق کیفری در متون بین المللی برای تصویب در قوانین ملی ۶۷
- چارچوب حقوقی گردش و کنوانسیون یونسکو ۱۹۷۰ در منظر کیفری ۷۰
- جرایم علیه میراث فرهنگی در حقوق انگلیس ۷۴

قانون حمایت از کشتی های غرق شده ۱۹۷۳.....	۷۵
قانون کشتی های تجاری مصوب ۱۹۹۵.....	۷۵
قانون مناطق باستانی و آثار تاریخی قانون ۱۹۷۹.....	۷۵
ورود و خروج غیر قانونی میراث فرهنگی.....	۷۶
سرقت و معامله اموال فرهنگی - تاریخی در قوانین انگلستان.....	۷۶
ورود و خروج غیر قانونی اموال فرهنگی در حقوق انگلستان.....	۷۷
حفاری و کاوش پنهانی در حقوق انگلیس.....	۸۰
قانون حمایت از کشتیهای غرق شده مصوب سال ۱۹۷۳.....	۸۲
قانون مناطق باستانی و آثار تاریخی مصوب ۱۹۷۹.....	۸۲
تخریب و خسارت علیه اموال فرهنگی - تاریخی در حقوق انگلیس.....	۸۳
عناوین مختلف تخریب و خسارت در حقوق انگلیس.....	۸۳
قانون طراحی نواحی حفاظتی و ساختمان های فهرست شده مصوب ۱۹۹۰.....	۸۶
قانون حمایت از بقایای نظامی مصوب ۱۹۸۶.....	۹۱
قانون حمایت از کشتیهای غرق شده مصوب سال ۱۹۷۳.....	۹۲
منابع.....	۹۵
منابع انگلیسی.....	۹۷

پیشگفتار

میراث فرهنگی، حافظه‌ی تاریخی عینی و ملموس بشر است؛ تجلی تلاش‌ها، رنج‌ها، آرمان‌ها و خلاقیت‌هایی که در طول قرون و اعصار شکل گرفته و در قالب بناها، محوطه‌ها، سازه‌ها و آثار تاریخی متبلور شده است. هر سنگ از یک بنای کهن، هر دیوار از یک شهر تاریخی و هر نقش برجای‌مانده بر پیکره‌ی یک اثر باستانی، روایتگر داستانی از زیست انسانی است؛ داستانی که نه تنها به گذشته تعلق دارد، بلکه در ساختن هویت امروز و ترسیم افق فردا نقشی بنیادین ایفا می‌کند. میراث فرهنگی، صرفاً مجموعه‌ای از اشیاء یا سازه‌های قدیمی نیست، بلکه بخشی از موجودیت معنوی ملت‌هاست؛ سرمایه‌ای که استمرار تاریخی، انسجام اجتماعی و خودآگاهی جمعی را تضمین می‌کند.

در جهان معاصر، اهمیت میراث فرهنگی از مرزهای ملی فراتر رفته و به سطحی جهانی ارتقا یافته است. امروزه این باور شکل گرفته که آثار فرهنگی، صرفاً دارایی یک ملت نیستند، بلکه بخشی از میراث مشترک بشریت‌اند. با این حال، همین جهانی‌شدن، تهدیدهای نوینی را نیز به همراه آورده است: توسعه بی‌رویه شهری، پروژه‌های عمرانی بدون ملاحظات حفاظتی، قاچاق سازمان‌یافته آثار تاریخی، تخریب‌های عمدانه، جنگ‌ها و حتی بی‌توجهی‌های اداری، همگی خطراتی جدی برای بقای این میراث ارزشمند محسوب می‌شوند. در چنین شرایطی، حفاظت از میراث فرهنگی دیگر یک انتخاب فرهنگی یا دغدغه‌ای صرفاً علمی نیست، بلکه ضرورتی حقوقی، اخلاقی و تمدنی است.

در این میان، حقوق کیفری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای صیانت از ارزش‌های اساسی جامعه، جایگاهی ویژه در حمایت از میراث فرهنگی یافته است. جرم‌انگاری رفتارهایی همچون تخریب، سرقت، حفاری غیرمجاز، قاچاق، دخل و تصرف غیرقانونی و هرگونه تعرض به آثار فرهنگی، بیانگر آن است که قانونگذار این حوزه را در شمار منافع اساسی جامعه قرار داده است. ضمانت اجرای کیفری، افزون بر نقش تنبیهی، کارکردی پیشگیرانه و بازدارنده دارند و پیام روشنی به جامعه مخابره می‌کنند: میراث فرهنگی خط قرمز هویت ملی و تاریخی است و تعرض به آن، تعرض به بنیان‌های فرهنگی جامعه محسوب می‌شود.

با این حال، کارآمدی نظام کیفری در این حوزه، وابسته به عوامل متعددی است: شفافیت قوانین، تناسب مجازات‌ها، هماهنگی نهادهای اجرایی، مشارکت عمومی و به‌روزرسانی مستمر مقررات متناسب با تحولات اجتماعی و فناوری. تجربه برخی کشورها نشان می‌دهد که برخورد صرفاً شکلی با جرائم علیه میراث فرهنگی کافی نیست، بلکه لازم است سیاست جنایی منسجم و چندلایه‌ای طراحی شود که هم جنبه کیفری داشته باشد و هم سازوکارهای پیشگیرانه، آموزشی و نظارتی را در بر گیرد.

در میان کشورهای دارای تجربه موفق در این زمینه، انگلستان نمونه‌ای قابل توجه است. این کشور از قرن نوزدهم به بعد، با درک اهمیت میراث تاریخی خود، به تدریج چارچوب‌های قانونی و نهادی مستحکمی برای حفاظت از آثار فرهنگی غیرمنقول ایجاد کرده است. تصویب قوانین تخصصی، ایجاد نهادهای مستقل حفاظتی، تدوین فهرست‌های ثبت آثار، و مشارکت فعال جامعه مدنی، موجب شده است که انگلستان الگویی موفق در عرصه صیانت از میراث فرهنگی شناخته شود. به‌ویژه در فاصله سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ میلادی، این کشور نظامی مدرن را بنیان نهاد که توانست میان توسعه شهری و حفظ ریشه‌های تاریخی تعادل برقرار کند.

در سوی دیگر، ایران با پیشینه‌ای چند هزار ساله و با برخورداری از یکی از غنی‌ترین تمدن‌های بشری، گنجینه‌ای بی‌بدیل از آثار فرهنگی و تاریخی را در خود جای داده است. از محوطه‌های باستانی گرفته تا بناهای مذهبی، کاروانسراها، پل‌ها، باغ‌ها و شهرهای تاریخی، هر یک بخشی از شناسنامه تمدنی این سرزمین‌اند. با وجود این غنا، چالش‌های متعددی نیز در حوزه حفاظت حقوقی از این آثار وجود دارد؛ چالش‌هایی که گاه ناشی از خلأهای قانونی، گاه ناشی از ضعف اجرا، و گاه حاصل شرایط اجتماعی و اقتصادی است. همین امر ضرورت بازاندیشی در سیاست کیفری مرتبط با جرائم علیه میراث فرهنگی را دوچندان می‌سازد.

پژوهش حاضر در چنین بستری شکل گرفته است؛ تلاشی علمی برای بررسی و مقایسه تطبیقی قوانین کیفری ایران و انگلستان در خصوص جرائم علیه آثار فرهنگی و تاریخی، با تمرکز ویژه بر میراث فرهنگی غیرمنقول. هدف این مطالعه صرفاً توصیف قوانین نیست، بلکه تحلیل ساختارها، ارزیابی کارآمدی ضمانت اجراها، شناسایی نقاط قوت و ضعف، و ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای نظام حقوقی ایران است. مقایسه تطبیقی، این امکان را فراهم می‌سازد که تجربه‌های موفق شناسایی شوند، خطاهای احتمالی آشکار گردد و راهکارهایی مبتنی بر واقعیت‌های بومی پیشنهاد شود.

امید آن است که این اثر بتواند گامی هرچند کوچک در جهت تقویت نگاه حقوقی به میراث فرهنگی بردارد و توجه پژوهشگران، قانونگذاران و دست‌اندرکاران اجرایی را به اهمیت بازنگری مستمر در سیاست‌های کیفری این حوزه جلب کند. بی‌تردید، حفاظت از میراث فرهنگی، تنها وظیفه یک نهاد یا یک نسل نیست، بلکه مسئولیتی میان‌نسلی است که آینده آن به تصمیم‌ها و اقدامات امروز ما وابسته است.

این کتاب تقدیم می‌شود به همه آنان که باور دارند تاریخ، صرفاً گذشته نیست، بلکه سرمایه‌ای زنده برای ساختن آینده است؛ به پژوهشگرانی که دغدغه حفظ هویت فرهنگی را در اندیشه دارند؛ و به نسلی که شایسته آن است میراثی سالم و استوار از پیشینیان خود دریافت کند.

مقدمه

میراث فرهنگی، یکی از بنیادی‌ترین ارکان هویت بشری و از اصلی‌ترین جلوه‌های استمرار تاریخی جوامع انسانی است؛ گنجینه‌ای که گذشته را به حال پیوند می‌زند و مسیر آینده را برای انسان‌ها روشن می‌سازد. در گفتمان نوین حقوق بشر، «حق بر میراث فرهنگی» به‌عنوان یکی از مصادیق برجسته حقوق فرهنگی، جایگاهی استوار و در عین حال چالش‌برانگیز یافته است. این حق با هدف تضمین حفاظت، بقا و انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های آینده شکل گرفته و جوهره آن بر این اندیشه استوار است که هر انسان، فارغ از ملیت، نژاد یا جغرافیا، حق دارد به میراث مشترک بشری دسترسی داشته باشد.

اهمیت حفاظت از میراث فرهنگی، از آن روست که این میراث نقشی تعیین‌کننده در تعادل بخشی به زندگی اجتماعی، شکل‌دهی به هویت جمعی، توسعه پایدار، و استمرار روند تکامل تمدن بشر ایفا می‌کند. از این رو، پاسداری از میراث فرهنگی نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، بلکه تعهدی جهانی محسوب می‌شود که مشارکت دولت‌ها، جوامع محلی و نهادهای بین‌المللی را می‌طلبد.

از سده نوزدهم میلادی به بعد، دغدغه حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی به یکی از مباحث مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری از کشورهای جهان بدل شد. در این میان، کشورهای اروپایی همچون فرانسه، ایتالیا و به‌ویژه انگلستان به جهت برخورداری از آثار تاریخی غنی، نظام‌های حقوقی پیشرفته و جنبش‌های اجتماعی فعال، از نخستین دولت‌هایی بوده‌اند که در این مسیر پیشگام شدند. انگلستان به‌واسطه داشتن لایه‌های تاریخی منحصربه‌فرد، رویه‌های کارآمد حفاظتی و مشارکت عمومی گسترده، توانسته است یکی از کارآمدترین نظام‌های حقوقی حفاظت از میراث فرهنگی را پایه‌گذاری کند؛ تا جایی که بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ میلادی، این کشور ساختاری منسجم و مدرن را ایجاد کرد که ترکیبی از میراث تاریخی و نیازهای جامعه مدرن را در خود جمع می‌کرد.

پژوهش حاضر با همین رویکرد، به بررسی، تحلیل و مقایسه‌ی تطبیقی نظام حقوقی کیفری ایران و انگلستان در حوزه جرائم علیه آثار فرهنگی و تاریخی می‌پردازد. محور اصلی این تحقیق، تمرکز بر میراث فرهنگی غیرمنقول است؛ آثاری که برخلاف اموال منقول، ذاتاً یا به‌موجب عمل انسان قابل جابه‌جایی نیستند، مگر با ایجاد آسیب، نقص یا تخریب. این دسته از آثار، بخشی از حافظه جمعی ملت‌ها محسوب می‌شوند و صیانت از آنها نیازمند سازوکارهای حقوقی دقیق، کارآمد و به‌روز است.

انتخاب انگلستان به‌عنوان نمونه مقایسه‌ای، از آن جهت است که این کشور در عرصه حفاظت از میراث فرهنگی غیرمنقول، تجربه‌ای غنی و موفق دارد و قوانین کیفری آن توانسته است مدل قابل توجهی برای برخورد با جرائم مرتبط با آثار تاریخی ارائه کند. از سوی دیگر، ایران با تمدنی چند هزار ساله و برخورداری

از آثار فرهنگی بی‌بدیل، ضرورت دارد نظام حقوقی خود را در پرتو الگوهای موفق جهانی تحلیل و ارزیابی کند. مقایسه تطبیقی این دو نظام، می‌تواند راهگشای ارتقای سیاست‌های کیفری ایران در راستای کاهش جرائم علیه میراث فرهنگی و تقویت نظام حفاظتی کشور باشد.

ماهیت جرائم علیه میراث فرهنگی

در یک تقسیم‌بندی جرائم کیفری را میتوان به سه دسته تقسیم کرد

۱. جرائم علیه اموال و مالکیت؛ ۲. جرائم علیه اشخاص؛ ۳. جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی اموال تاریخی- فرهنگی عمدتاً جزء اموال عمومی و از مظاهر برجسته هر ملتی هستند. از این رو، قانون‌گذار باظرفیتی قابل تحسین جرائم علیه میراث فرهنگی را در زمره جرائم علیه امنیت قرار داده است که نشان از ارج نهادن قانون‌گذار به میراث فرهنگی به عنوان گنجینه ملی و منابع تجدید ناپذیر کشور است. سؤال اینجاست که چرا این گونه جرائم در زمره جرائم علیه اموال عنوان نشده است؟ در پاسخ باید گفت که چنانچه این گونه جرائم در شمار جرائم علیه اموال باشد اقتضا دارد که هرگاه مالک مال، آن را تلف کند، عمل وی جرم نباشد، چرا که هر مالکی بر مایملک خود حق همه گونه تصرف را دارد (مستند به قاعده فقهی تسلیط الناس مسلطون علی اموالهم؛ حال آنکه در مورد تخریب اموال تاریخی- فرهنگی چنین نیست و حتی تخریب مال از سوی مالک خصوصی آن جرم است. از طرفی خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور حتی به وسیله مالک قانونی آن نیز جرم است که چنانچه این جرائم جزء جرائم علیه اموال، بود لازم‌هش جرم نبودن عمل مالک می بود.

همچنین قانون‌گذار به جهت حفظ و نگهداری آثار تاریخی مرمت تعمیر و توسعه آنها را منوط به اخذ اجازه کرده است و متخلف را مجرم دانسته است. حال آنکه اگر در این جرائم مصلحت عمومی در درجه اول قرار نداشته باشد، دلیلی بر مقید کردن مالک به اخذ اجازه وجود نخواهد داشت.

چیستی جرایم علیه میراث فرهنگی

در تمام جوامع انسانی بزهکاری یعنی تعدادی متغیر از اعمال ارتكابی علیه احکام قانون وجود دارد. این اعمال میتوانند توأم با ماهیتهای گوناگونی مانند آسیب و صدمه به افراد و اموال، آداب و رسوم و غیره باشد ولی این اعمال همیشه به وسیله قانون تعریف و پیش بینی شده است. به هر حال این وضعیت کشورهایی است که حقوق بشر را محترم می‌شمارند پس ضروری است که آنچه باید بزه تلقی گردد با دقت تعریف شود.

یک عمل هر قدر هم زشت و ناپسند باشد تا زمانی که در قلمرو قوانین کیفری وارد نشود، جرم محسوب نمی گردد اصل قانونی بودن جرایم و مجازات که از اصول اولیه حقوق کیفری کشورهای متمدنی است مورد توجه قانونگذار قانون مجازات اسلامی نیز واقع شده است .

اما معیار جرم شناختن یک عمل چیست؟

زمانی میتوان عملی را جرم شناخت که ارزشهای اساسی و انحصاری یک جامعه مورد تهدید واقع شوند. آثار فرهنگی به عنوان یادمانهای به جای مانده از گذشته و نمونه های عملی هنر و زیبایی، از آنچنان جایگاه والایی برخوردار هستند که هر گونه اقدامی به قصد تباهی یا لطمه به آنها با واکنش جامعه روبرو می شود و همین واکنش مجرمانه دانستن اعمال ارتكابی علیه این آثار را توجیه پذیر می سازد.

در قوانین و مقررات ملی قوی ترین نوع ضمانت اجراها ضمانت اجرای کیفری) و در عرصه بین المللی بیشترین تلاشها برای حفاظت و حراست از این آثار صورت پذیرفته است. در خصوص حمایت از میراث فرهنگی سه شیوه اصلی در قوانین کیفری وجود دارد اول نظام قوانین خاص شامل مجازاتهای کیفری مانند آیین نامه و دوم قانون عام که در آن برخی از مقررات به حمایت از میراث فرهنگی می پردازد. سوم استفاده از مفهوم مستقل از تخلفات بر علیه میراث فرهنگی در قانون کیفری مانند قانون مجازات اسلامی چنین به نظر میرسد که این شیوه اخیر بهترین شیوه باشد. مبنای تخلف و انواع آن باید در قانون جزا که از نظر وجدان حقوقی و اجتماعی شناخته تر از قوانین خاص دیگر است گنجانیده شود. در این خصوص اولین قانونی که در آن برای جرایم علیه میراث فرهنگی تعیین کیفر کرده است ماده ۱۲۷ از قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ میباشد که صریحاً حکم تخریب آثار ملی و مذهبی را بیان نموده است که بر این اساس این ماده تخریب اماکن مذهبی و تاریخی جرم و مرتکب مشمول حبس از ۲ تا ۱۰ سال و تأدیه ضعف مخارج لازم برای مرمت و خرابی در نظر گرفته شده است.

متعاقب آن قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ انواع جرایم علیه اموال و آثار تاریخی- فرهنگی را به صورت مجمل و پراکنده احصاء نموده که البته بعداً در قوانین دیگر اصلاح و تکمیل شده است. در قانون مذکور جرایمی مانند منهدم کردن یا خرابی وارد آوردن به اموال و آثار تاریخی- فرهنگی، متزلزل ساختن بنیان، آثار تملک و معامله نمودن مرمت و تجدید بنا، نمودن خرید و فروش، حفاری و کاوش و قاچاق و خارج نمودن این آثار به خارج از کشور بیان گردیده و برای آنها مجازات در نظر گرفته شده است. این جرایم بعدها توسط قانون گذار مورد توجه بیشتر قرار گرفت و ضمانت اجرای شدیدتری اتخاذ گردید. در قانون الحاق ماده ۱۲۷ مکرر به قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۴۷ در ماده ۲، موضوع سرقت و خرید و فروش اموال مسروقه را مطرح و به جمع جرایم قانون سابق افزود که این جرایم با مجازاتهای نسبتاً سنگین تری همراه بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی (تعزیرات) در سال ۱۳۶۲، جرایم علیه میراث فرهنگی مورد توجه افزونتری قرار گرفت و مقنن در دو ماده و چند تبصره جرایم مربوطه را احصاء و مجازاتهای هر یک را با تحقیق مضاعف پیش بینی نمود.

قانون تعزیرات مصوب سال ۶۲ که تا حد زیادی بازنویسی شده بخشی از قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ بوده اگر چه در برهه ای از زمان جوابگوی بخش عظیمی از معضلات دستگاه قضایی کشورمان بوده است با این وجود تحولات سریع و فزاینده جامعه در زمینه های گوناگون اعم از اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی... رفته رفته نارسایی آن را در برخورد با مشکلات موجود آشکار ساخته به نحوی که ضرورت تدوین مقررات نسبتاً جامع تر از گذشته و حتی الامکان منطبق با شرایط روز بیش از پیش احساس می شد تا اینکه سرانجام قانون تعزیرات جدید در تاریخ ۷۵/۳/۲ به تصویب رسیده و نهایتاً از تاریخ ۷۵/۴/۱۹ لازم الاجرا شد. قانون تعزیرات جدید در حقیقت متن اصلاح شده قانون تعزیرات قبلی است. به نظر میرسد که ایرادی به عنوان فصل نهم وارد باشد و آن اینکه قانونگذار موضوع این فصل را تخریب برشمرده در حالی که تخریب به عنوان یکی از جرایم علیه میراث فرهنگی در ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است و فصل نهم این قانون شامل سایر جرایم از این نوع جرایم علیه میراث فرهنگی این قسمت شامل ۹ مبحث میباشد که در هر یک از مباحث به ترتیب جرایم ذیل را مورد بررسی قرار خواهیم داد تخریب اموال تاریخی فرهنگی حفاری غیر مجاز برای به دست آوردن اموال تاریخی فرهنگی تجاوز به آثار تاریخی فرهنگی مرمت تغییر، تجدید و توسعه غیر مجاز اماکن تاریخی و فرهنگی و انتقال اموال تاریخی - فرهنگی غیر منقول، تغییر کاربری اماکن مذهبی و فرهنگی.

تخریب اموال تاریخی - فرهنگی

از شدیدترین بزه های مربوط به آثار تاریخی - فرهنگی بزه تخریب میباشد. ما اکنون به موج عظیم و پایان ناپذیر و روز افزون «تخریبگران» (مخربین) جاهلی روبرو هستیم که لطامات آنها به میراث فرهنگی کشور نه تنها سودی برای آنها در بر ندارد بلکه با عمل خود یافته های دیگران را که با تحقیقات و بررسی و رنج و زحمت از زیر خاک بیرون آورده شده اند، آنچنان تخریب میکنند که دستور گچ کشیدن بر روی نقاشیهای چهل ستون به دستور ظل السلطان در مقابل عمل، آنان باعث رو سفیدی ظل السلطان است. به واسطه جرم مذکور آثاری نابود میشوند که احیای مجدد آنها امکان پذیر نیست. این امر باعث شده است که مقررات کیفری کشورها با استمداد از قوی ترین نوع ضمانت اجرا در مقام حفاظت از این آثار برآیند.

به عنوان مثال قانون جزای کوبا در ماده ۵۷ افروختن آتش برگزاری جشنواره، احداث اردوگاه که ممکن است نقصانی را به سیمای مناظر طبیعی یا باستانی وارد نماید را صریحاً منع نموده است. پاره ای از کشورها به جای به کار بردن اصطلاح تخریب از واژه کلی تر «صدمه» استفاده نموده اند. از جمله بند ۳ ماده ۱۳ قانون تونس صدمه به اموال باستانی را ممنوع اعلام کرده است. جرم تخریب در بند یک ماده ۱۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب مرداد ۱۳۴۷ با تصویب مواد ۴۶ و بند اول ماده ۴۷ نسخ گردیده است تفاوت مواد جدید با ماده سابق در تقلیل حداقل مجازات از ۲ سال تا ۱۰ سال به ۱ سال تا ۱۰ سال و پرداخت خسارت در ماده جدید است.

ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ نسخ مواد ۴۶ و ۴۷ قانون تعزیرات سابق می باشد. ماده مذکور اشعار می دارد:

هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه اماکن محوطه ها و مجموعه های فرهنگی- تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است یا ،تزیینات ،ملحقات تأسیسات ،اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلاً واجد حیثیت تاریخی فرهنگی یا مذهبی باشد خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارت وارده، به حبس از ۱ تا ۱۰ سال محکوم می شود.

عنصر مادی تخریب اموال تاریخی- فرهنگی

عنصر مادی این جرم تخریب است که معمولاً با اعمال مادی مثبتی همچون کندن، از بین بردن، سوزاندن شکستن و.... انجام میشود مانند این که کتیبه منصوب در یک دیوار فرهنگی شکسته شود یا یک اثر تاریخی در آتش بسوزد و خاکستر شود.

در تشخیص جرم تخریب باید به دیدگاه عرف نیز توجه داشت مثلاً آجری از یک بنای فرهنگی کنده شود به دقت عقلی میتوان آن را تخریب به حساب آورد اما از نظر عرفی، تخریب محسوب نمی شود. خراب کردن لازم نیست منجر به از بین رفتن تمام اثر شود بلکه چنانچه مقداری از آن هم از بین برود عنصر مادی جرم محقق شده است هر چند تخریب در معنای واقعی خود صورت نگرفته است مانند این که خطوط و نقوش یک اثر پاک شود در خراب کردن عمل مرتکب باید در قالب مادی مثبت باشد بنابراین اگر کسی در نگهداری از این اشیاء دقت نکند و آفتاب یا باران موجب از بین رفتن آنها شود، جرم تحقق نمی یابد.

موضوع جرم

موضوع این جرم دو چیز است:

الف: ابنیه اماکن، محوطه ها و مجموعه های فرهنگی - تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

ب: تزئینات، ملحقات تأسیسات، اشیاء لوازم، خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور. شرط تحقق جرم در ابنیه اماکن محوطه ها و مجموعه های فرهنگی تاریخی آن است که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده باشند؛ بنابراین از نظر تعاریف قانونی ممکن است مکانی در زمره آثار فرهنگی یا مذهبی باشد اما به ثبت نرسیده باشد که در این صورت مشمول این ماده نخواهد بود؛ مانند مکانهایی که در فهرست آثار ملی ثبت نشده است اما تحت اداره سازمان میراث فرهنگی است. در خصوص موارد بند «ب» نیز شرط است که اشیاء مزبور خود مستقلاً واجد حیثیت فرهنگی یا مذهبی باشد مثلاً یک مجسمه یا کتیبه منصوب در مکان فرهنگی صرف نظر از اینکه در مکان فرهنگی قرار دارد، خود واجد خصیصه فرهنگی است اما سقف همان خانه یا دیوارهای آن خصوصیت مستقل فرهنگی ندارند. این موارد لازم نیست که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده باشند اما مکانی که این اشیاء در آن وجود دارد باید ثبت شده باشد؛ بنابراین اشیاء مزبور چنانچه در غیر مکانهای مزبور در بند «الف» وجود داشته باشند مشمول این ماده نخواهند بود گرچه مستقلاً واجد حیثیت فرهنگی یا تاریخی باشند و این مطلب که به صراحت در متن ماده است با فلسفه اهتمام قانون گذار برای جلوگیری از نابودی اموال فرهنگی سازگار نیست مگر اینکه قید (منصوب یا موجود در اماکن) (مذکور را فقط برای نقوش بدانیم که چنین چیزی هم بعید است. در جرم تخریب معمولاً موضوع جرم باید مال متعلق به دیگری باشد اما در تخریب آثار فرهنگی چنین شرطی وجود ندارد، بنابراین اموال شخصی افراد هم که در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد مشمول این ماده می شود. متأسفانه قانونگذار موضوع تخریب آثار تاریخی ثبت نشده در فهرست آثار ملی را به سکوت واگذار نموده است.

با توجه به اینکه بسیاری از آثار و بناهای تاریخی کشور تا کنون به دلایل قانونی و اجرایی در فهرست آثار ملی به ثبت نرسیده اند، عدم حمایت قانونی با ضمانت اجرای کیفری از آنها باعث تخریب و نابودی آنها خواهد شد و مرتکبین مشمول این ماده به راحتی میتوانند از چنگال عدالت بگریزند. البته به نظر میرسد تخریب آثار تاریخی ثبت نشده در فهرست آثار ملی مشمول مقررات عمومی تخریب از ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی به بعد گردد.